

طنز

از قلم فضل الرحیم رحیم

برگرفته شده از گزینهء (فساد نامه)



یک اعتراض عدالتخواهانه!

دولت به توکل خدا یک رقم کار و فعالیت می کند چشم بد دور، که یک رقم نی یک رقم، یک جای نی یک جای، به شکلی از اشکال حضور این فعالیت را مردم با پوستهای به شکم و شکم های به پشت چسپیده شان در هر جا و هر لحظه و بخصوص در راهبندان های طول البلد و عرض البلد چنان احساس می کنند که نپرس، در زمان راهبندان کسی عیان و کسی پنهان از بارگاه حق استدعا می کنند که: ای پروردگار عالم، تو آن بنده کله دارت که موتر را ساخت جایش را بهشت برین بگردان. از برکت همان بنده جنتی ات است که امروز مقامات ما کاروان، کاروان از برابر چشمان ما سوار بر آن می گزرنند خوب شده این کاروان فیل ها نبودند و گر نه بجای ۵ ساعت راهبندان ۲۴ ساعت راهبندان می شد و باز خوب شد که این کاروان اشتر ها نبودند که بجای ۶ ساعت راهبندان ۱۶ ساعت راهبندان می بود و مهم تر از همه اینکه کسالت مقامات معظم ما از سواری بر فیل ها و اشتر ها موجب برهم خوردن مزاج مبارک شان می گردید و این مظلومین، روز ها بجای شب و شبها بجای روز در خواب شیرین، مداوا و علاج رفع کسالت به سر می بردند که خدا ناخواسته در صورت دچار شدن به کسالت مزاج مقامات نظم و ترتیب موجود، هفت کوه سیاه در میان فلج می شد که این

خود باعث عقب مانی و نارسائی های به موقع و بی موقع در کار های دولتی و حکومتی و نظم عامه می شد.

به همین سلسله راهبندان من هم همین پیش پریروز در یک راهبندان پر از مظاهره چیان با شعارهای رنگی، جنگی و بنگی بردست چنان گیر افتادم که در جایم میخکوب و از دیدنش هک و پک شده بودم قصه از این قرار است: زمانیکه می خواستم از چهارراهی بنام چار پلاق، بگذرم که ناگاه چشمانم به موجی از معترضین ناراضی، سرکش و سر تنبه که با عالمی از شعار های مختلف النوع از چهار طرف چهارراهی چار پلاق، با موزیک اشپلاق رسیدند که به مجرد رسیدن راهبندان شروع شد و من بیچاره و بیخبر از اصل قصه چنان جای به جای میخکوب و هک و پک ماندم و وقتی که من پلیس را دیدم که در راهبندان چی صادقانه به وظایف شان می رسند و مظاهره را حمایت می کند. دلم یک رقم باغ، باغ شد و با خود گفتم که حتماً از حق یتیمان و بیوه زنان در این مظاهره گپهای خواهد بود و یا اینکه مسئله کار و بیکاری مطرح خواهد شد و یا اینکه . . . در همین چرت و فکر غرق و پرق بودم که در وسط چهارراهی یک آدم که بیشتر خدا ناکرده به یک میرزا قلم کهنه کار و کهنه بیخ شکل و چهره میداد وارد شد و با بلند گو برای جلب توجه حاضرین گفت: توجه، توجه و توجه!

برادر ها من میرزا شیر دل مشهور به دلبنده، رئیس یا کلانتر اتحادیه صنفی رشوه خوران طبقه پائین، معاون اول رشوه خوران طبقه متوسط و عضو ارتباط میان طبقه بالا با سایر طبقات می باشم. همان طوریکه شما می دانید و می فهمید که زیر بنا و یا سنگ پایه هر دولت سر شانه های تحویلدار، چپراستی، خزانه دار، کاتب و مامور سوار می باشد. اگر این ها حضور فعال فزیکتی در موقف های شان نداشته باشند خدا ناخواسته دولت بی پایه و بی سایه تنها به مقامات در طبقه بالا به شکل پوقانه در هوا معلق می ماند. و اگر رابطه بین طبقه بالا و پائین حسنه و به حساب برابر مساویانه باشد وطن گل و گلزار و همه چیز برقرار می باشد. خواست ما امروز به همین اساس است و مظاهره ما هم بر همین بنیاد می باشد که:

۱ - ما از مقامات جداً تقاضا می کنیم که عاجل در قانون جزا تعدیلات و اصلاحاتی ذیل را وارد نمایند:

- رشوه خوری حق مسلم هر شهروند کشور ما می باشد و دولت از این حق با در نظر داشت حق مساوی شهروندان مجبور به حمایت فزیکتی و معنوی بدون طرح بالایی و پائینی است .
- ۲ - شورای کلانتر های فارغ از پاسخ گفتن به خاطر ایجاد نظم درست و تامین عدالت باید نرخنامه معین و قابل اجرا در تمام سطوح ادارات دولتی برای پرداخت رشوه، را ترتیب و به زود ترین

فرصت ممکن به همه دفاتر آنرا بفرستند تا با آواختن آن بالای سر مامورین و موظفین از تلف شدن وقت و چنه زدن مراجعین در جریان اجرای کار شان جلوگیری شود .

۳ - ما حاضریم تا از رشوه های گرفته شده در سال، ۶ فیصد مالیه بر عایدات بپردازیم بالمقابل از مقامات هم تقاضا داریم تا از گرفتگی های شان ۲۵ فیصد مالیه بپردازند زیرا معاملات ایشان با اسعار خارجی رفاقت و قرابت دارد.

۴ - در پایان پیشنهاد می کنیم که تا راه بدان مذاکره و مفاهمه که از جانب مقامات سر راه ما بوجود آمده رفع شود تا بتوانیم با عمل مشترک تا چندی که این دم و دستگاه است در پرتو فساد عادلانه رشوه بخوریم و کیف کنیم در این صورت هم ما خوش و هم شما خوش و هم . . . ما کاپی های این اعتراضنامه را به دفاتر بین المللی معتبر که در شهر ما نمایندگی دارند می سپاریم تا از سر ما و از سر مقامات معظم ما دست وردار شوند و ما را به کار و بار و غریبی ما بگزارند. و من الله توفیق. من که از صحبت های عالمانه و پر از احساس عاطفی و برحق جناب میرزا شیر دل مشهور به دلبنده، فیض بردم و با خود گفتم راستی که در کشور ما دموکراسی به مفهوم واقعی اش در حال ارتقا و ترقی است مردم می توانند از حقوق خود شان با براه اندازی اعتراض و میتنگ و مظاهره دفاع نمایند راستی خدا، امید وار شدم به اینکه فقط ما در چند قدمی رسیدن به ناف دموکراسی قرار داریم .

فضل الرحیم رحیم

۳۰.۰۵.۲۰۱۰

www.esalat.org